



۲۰۱۷/۰۱/۳۱

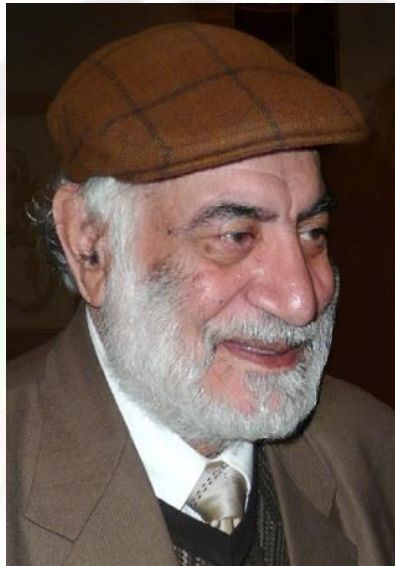


م. اسحاق نگارگر

## بر تخته شطرنج ولسی جرگه و حکومت پیاده ملت در حساب هیچ است!

هنگام لاف و گزاف وکیل صاحبان خانه خود را خانه ملت می خوانند و حکومت نیز هی داد می زند که زیر هر گونه

به اصطلاح میدان عمل می آید هر که در لاف صد گز را برای یک متر تکه هم نمی گذرد و پایش عشق را زنده رها نموده پا به فرار



شرایط خدمتگار مردم است، اما وقتی دو همانند همان عاشق کاذب و ممسک معشوق پاره می کند ولی در عمل از در جاده عشق به هیچ می لغزد و میدان می گذارد.

رئیس اجرائی را می خواستند برای خیانت ملی متهم کنند خود به خاطر را زنده رها کردند و برای چهل و بلا تکلیف ساختند و رفتند تا از رأی به کاری مهمتر از این بپردازند.

وکیلان که خود حتی رئیس جمهور و تعلل و تأخیر در معرفی کابینه به اصطلاح رخصتی زمستانی میدان پنج روز حکومت و در اصل ملت را اعتماد دادن به نامزد وزیران بروند و مگر ممکن نبود که فقط پنج روز از

این رخصتی کم می کردند و مردم

را از بلا تکلیفی نجات می دادند و خار های تشویش را نیز از پهلوی هفده وزیر بیرون می آوردند؟

اگر این کار را می کردند و فقط پنج روز از چهل و پنج روز رخصتی زمستانی را به مردم می دادند و کابینه را گماشته به دنبال کار خود می رفتند آسمان بر زمین می آمد؟ و این ایثار پنج روزه نزد مردم بی پاداش می ماند؟ اگر وکیلان گرده این ایثار را نداشتند آیا ممکن نبود که پنج روز معاش خود را از کیسه بیت المال دو برابر می گرفتند؟ آخر چهل روز برای آشنا شدن وزیران با وزارت خانه ها و کارکنان زیر دست شان فرصتی بسیار کافی بود.

چهل روز دیگر وزارت خانه ها را عاطل و باطل گذاشتن و به نامزد وزیران و سرپرستان معاش و ماکولات دادن پولی است که بی جهت خرج می شود.

من نمی دانم جناب رئیس جمهور که در موارد بسیار بی اهمیت تر از این رگ گلو می پندادند و به جدی بودن خود می نازد؛ در این مورد کجا بود که بر سر وکیلان چبغ نزد و برای شان حالی نکرد که با چشم پوشیدن از پنج روز رخصتی کشور را از بحران کنونی نجات بدهند؟ آخر اگر رئیس جمهور در رأس هر سه قوه دولت قرار دارد معنایش

این می شود که در رأس قوهٔ تقنینیه نیز قرار دارد و همان طور که گفتیم می توانست این پنج روز وکیلان را دو برابر معاش بدهد.

این گونه بی غم باش بودن به استثنای تنبلیتون افغانستان در هیچ جای دنیا قابل تحمل نیست مگر اینکه رئیس جمهور شخصاً به وزراء و وکلاء فرصت داده باشد که در خفا با هم جور آمد بکنند و ناف وکیلان را به خاطر رأی اعتماد خوب و به طور مطلوب چرب نمایند.

آوازه ها حکایت از آن داشت که جناب رئیس جمهور پذیرفته بود که برای وکیلان یک یک قاب ساعت رادو هدیه بدهد. اگر این آوازه ها راست باشد معنایش این است که می خواست تلویحاً برای وکیل صاحبان بفهماند که وقت بسیار ارزش دارد و گاه سر خرمن نیست که بیهوده به بادش بدهند اما وکیلان بدبختانه معنای این گونه تلویحات را نمی دانند و باید بر سر شان یکی از همان چیغ های جانانه خود را می زد که او وکیل صاحبان چهل روز وقت بسیار زیاد است و من نمی توانم چهل روز بی کابینگی را تحمل کنم. اما چه می توان کرد؟

می گویند: "خربوزه از خربوزه رنگ می گیرد" وقتی رئیس جمهور و رئیس اجرائی سه ماه کار گزینش وزیران را به تأخیر می اندازند چهل روزک را که وکیلان نیز حق دارند.

فاعتبروا یا اولی الابصار. ۲۹ جنوری ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر

